

بودند لهذا در چهاردهم ماه مزبور — (ماه مارس) — عموم کسبه و کارگران شهر حتی جناها تلکرافخانه رفته تحصن اختیار نمودند — و در نام خانها تکه در مبدایست که اداره تلکرافخانه در آنجا واقع است و همچنین در بامهای عمارتی که جنب میدان سرگریست چادرها برپا نموده منزل گرفتند طرفداران اعیان و کهنه پرستان در خانه یکی از ملاها اجماع کرده آنجا را مامن خویش قرار دادند .

روز هفدهم مارس — از طهران حکم رسید که دو نفر از اعضای عمده هواخواهان اعیانرا که باعث اغتشاش شده اند گرفتار و از شهر تبعید نمایند باینکه آنان را تحت الحفظ بطهران روانه سازند — چون این خبر کوشزد دو شخص مزبور شد و دانستند بایشان چگونه سلوک خواهد شد مخفی گشتند

روز هیجدهم مارس یکی از هواخواهان ملک بزم میدان از منزل خویش بیرون آمد و تا حار بود که از جنب خانه که محل اجماع اعیان بود عبور نماید چون بدان حوالی رسید باستک بطرف او حمله برده تعاقبش نمودند مشارالیه از خوف و ضرر نهاده که ریخت پس از طی این عقبه وارد میدان شده و فریاد برآورد که ببخواستند مرا بکشند !! کسانیکه در میدان متوقف بودند از گفتار این شخص بی اختیار گردیده اجماعاً چوب و چماق بدست گرفته بطرف خانه ملا هجوم آور شدند و در آنجا

بكلواه و شليك تفنك دچار كردیدند ... طرفداران اعیان كان كردند كه غرض آن جمعیت از این هجوم و حمله نزاع با ایشانست و یحتمل دو صدر آن باشند كه دو شخص مخفی شده درخانه ملارا بیابند - در تمام آروز شليك تفنك مداومت داشت ولی تیرها بکلی خطا می رفت زیرا فقط يك مرد هدف كلواه گردید و يك پسر كوچکی نیز بواسطه خطا رفتن تیر بقتل رسید و از قراری كه می گفتند دو نفر دیگر نیز بواسطه زخمی كه بر داشته بودند و علاج ناپذیر بود وفات یافتند

سلطان آباد

موافق خبری كه بسفر اعلیحضرتی داده شد اغتشاش سلطان آباد را ملای بزرگ آن شهر سبب بود كه بحیل و دسایس آتش فتنه و فساد را اندك اندك مشتمل ساخت - شاه و مجلس هر قدر سعی كردند كه ملای فتنه انگیز را از آن محل خارجش نمایند اثری نبخشید - كسبه محض تظلم تامدنی دكاكین خود را بسته دست از لیب و كار خویش كشیدند .

مردمرا عقیده اینست كه اگر آن ظالم را نتوانند بحكمه عدالت حاضر نموده احقاق حق مظلومین بشود البته فتنه و فساد بیشتر و مهمتر از این خواهد گردید .

عموم مردم از ملای مزبور متنفر و مخوفند .

بیست و پنجم آوریل ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری

نمبره - ۲۶

خلاصهٔ مکتوب سیراسپر بنک رایس به سیر ادوارد نری
(وصول دهم ژوان)

ار قلهك ۲۳ ماه می ۱۹۰۷

باکال افتخار شرح وقایع و اتفاقاتیکه در ماه گذشته در
این مملکت روی داده و مستر جرجیل نت کرده است معروض
می دارم .

تاکنون نتوانسته اند وسایلی برای پیشرفت امور دولت
بچنگ آورند مجلس از اطراف گرفتار حمله واقع شده است —
درباریان تماماً مخالفت می نمایند و مردم شهر بواسطهٔ اینکه نان
مانند سابق بحالت گرانی باقیست رضایت ندارند از طرف دیگر
ضعف مجلس بواسطه مناقشه مابین دو نفر از رؤسای آن ~~که~~
عاقبت منجر باستعفا دادن هر دو گردید مکشوف و باب همه گونه
فوائد برای دشمنانش مفتوح شد - مهمتر مسئله که در اینوقت
دست آویز گردید متمم قانون اساسی بود که تمام رعایای ایرانرا
بدون رعایت مذهب دو حکم قانون متساوی الحقوق ضمانت می
کرد - مالاها در اینخصوص تعرض نمودند و از سه نفر مجتهد بزرگ
فقط آقا سید محمد حامی و خواهان آن بود ولی دیگران که بجمع
کثیری از طلاب تکیه داشتند مدعی شده اظهار نموده اند که در
مملکت اسلامی باید قوانین اسلامرا مجری و معمول داشت خلاصه

طبقه روحانیین بدو فرقه تقسیم شد - عده بسیاری از طلاب به ریاست آقا سید محمد و آقا سید جمال الدین واعظ مردصرا آگاه و متذکر می ساختند باینکه آرادی و مساوات از قوانین اسلام است و هر که جز این بگوید بمملکت خیانت نموده و مسلمان نیست - ناینده پارسیان در نزد من خیلی اظهار امید واری می کرد که در خصوص تساوی حقوق اقدامات قطعی خواهد شد ولی ایحطاب هنوز در بونه احوال باقیست و تا مدتی مابین عوام الناس و روحانیون که طرفدار عامه می باشند زحمت فراهم خواهد آورد و کان می رود مالاها ملایف ضعف خویش شده درک نموده اند که عنقریب اقتدار و نفوذ ایشان زوال خواهد یافت - اما شاه موقع را مغتنم دانسته از امضای متمم قانون اساسی امتناع دارد و مدعی است که مواد آن بایستی از نظر مجتهدین کربلا گذرد - از فرستادن آن نزد علمای کربلا چه نتیجه حاصل خواهد شد معلوم نیست ؟ در اینروزها از طرف مجتهدین کربلا رسماً سید جمال الدین پیغام فرستاده شده و فوراً طبع و همه جا توزیع گردید - مفساد آن امر به مردم بود که بتوسط مجلس از شاه مطالبه مجدد نمایند .

اوضاع ایالاترا می توان نتیجه احتلال امور حکومت مرکزی دانست - در هر شهری يك مجلس مستقلی منعقد است که بدون مشورت باحاکم یا مجلس مرکزی طهران متصدی امورات می شوند - حکامی که طرف نفرت مردم واقع بودند پی در پی

بیرون شده اند - حکومت مرکزی و مجلس طهران فهمیده اند که قوهٔ ممانعت و جلو گیری را ندادند لهذا خطر يك بی نظمی عمومی بنظر حتی الوقوع میاید - آثار هیجان در دفع ظلم و مقابله با اولیای امور در تمام ولایات مشهود است ولی محرکین غیر معلومند و آنچه بنظر میاید از طرف شمال و شاید از فقها از تحریک می شود - اما قطعه جنوب بالنسبه ساکت و اهالی آن از هر حیث مطیع میباشند برعکس قطعه شمالی که اگر بدامجاب مسافرت نمایند چون بهر نقطه از آن وارد شوند خواهند دید که زبان مردم آنجا آزادتر و سلوک ایشان نسبت بیادشاه و حاکم آن محل مخالفت مییابد ملاطفت با اتباع خارجه و با تنفر از آنها مربوط بهدم مرارده و یا آمده شد ایشانست باحکومت حاضره

حس استقلال و حفظ ملیت بودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید می شود - قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است و اگر مخالفین هرگونه عوایق و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالبه آنرا مضمحل نمایند حس آزادی و عقیده وطن پرستی را که مردم به تاوه کی دریافت کرده اند زایل نتوانند ساخت .

مجامع سری و متعدد شدن آنها سبب توحش دولتیان گردیده و گروه فدائیان باکو و شمال ایران قسم یاد کرده اند

که جان خود را فدای سعادت مملکت خویش نموده دشمنان و ظنرا
معدوم سازند - در طهران نیز انجمنهای بسیار تاسیس یافته که
جلسات بعضی از آنها آشکار و عمومی است و برخی دیگر ناآنکه
اعضای آنها معروف یکدیگر نیستند مقید بیک نظامنامه عمومی
میشوند - در افواه است که از حادثه اتفاق افتد نام آنها
متفقاً بدستور کتبه های کوچک مرکزی در دفع آن ناگال ثبات
قدم بیک روش خواهند کوشید - هرچند این مطلب را جدأ دعوی
میکشند لیکن ظن غالب اینست که فقط حرف باشد

ضمیمه نمره (۲۶)

خلاصه وقایع یکماهه

شمال ایران

طهران

روز ۲۶ آپریل انامک اعظم طهران وارد و در دوم ماه
مه - رسماً بریاست وزیرا و برتبه وزارت داخله برقرار گردید -
پس از دو روز دیگر ناهیت وزیرا برای معرفی بمجلس شورای
حاضر شد و دستور اقدامات خود را بیان نمود
سبک جراید محلی بطرفداری حکومت می (دموکراتیک)
بیشتر متایل می شود و اتصالاً روزنامه های جدید طبع و بر عده
جراید افزوده میگردد - حالیه در طهران قریب بسی روزنامه

دایر مییاشد که از آنجمله عدّه یومیه است و همچنین در تمام ولایات بطبع روزنامهجات اقدام نموده اند بهلاوه در باکو يك جزیده بزبان فارسی که مسلکش بر ضد سلطنت و خانواده است نوشته شده و دو تمام نقاط ایران رواج دارد — او راق بدون امضا مانند سابق در طهران پراکنده میشود که بسیاری از آنها را از باکو ارسال می دارند و بواسطه عبارات موهیجه مخصوصاً ضدیت با اتابك و دولت خیلی قابل ملاحظه واقع گردیده است

مسیو نوز

چون مردم شنیدند که مسیو نوز از ایران خواهد رفت چهل نفر از آنان که قبوض و پروات دولتی را بامضای وی در دست داشتند بر علیه او قیام کردند — در مجلس ملی مذاکره از رفتن او بمان آمد و عاقبت رای دادند که از ایران خارج شود و تا مدت یکسال اجازه مرخصی یافته قرار شد موجب این يك ساله را تماماً عاید دارد — از قراریکه خود مسیونوز میگوید روز ۲۵ همین ماه از طهران حرکت خواهد نمود و مسیو پریم وکالت داده است که حاضر شده در خصوص سؤالاتی که خواهد شد جواب بدهد — صورت وکالت نامه را که امضا نموده بود بنظر سفیر اعلیحضرتی رسانید و متعهد شده است که حساب اداره خود را پردازد

طايفه پارسيان

طايفه پارسيان در خصوص تعرضات مجتهدين راجع به متعم قانون اساسی بياناتی شديد اظهار نمودند و اصرار داشتند که تمام مردم بدون ملاحظه مذهب بايستی در پيشگاه قانون مساوی باشند - ولی آرامنه و يهود را در اين موضوع باخويشتن شرأتی ندادند - رؤسای عمده و آقاسيد محمد مجتهد ايشانرا از اين حقه آسوده خاطر و مطمئن نمودند ليکن طلاب و آخوند ها بهيجان آمده اينمسئله را انکار داشتند و شاه مطلبرا رجوع بهلمای كربلا نمود باميد اینکه وسيله برچيدن مجلس شود

هنوز اتابك اعظم طرف ميل مجلس واقع است ولی او خود اظهار خستگی و كمنگوی مراجعت از ابرار را مینماید و صول و ایصال مالیات در نهایت سستی است

تبريز

اوضاع تبريز در تمام مدت اين يكماه بی در پی مورد تنقید واقع گردید . حاکم این ولایت ملقب بنظام الملك که سابقاً وزیر عدایه طهران بود چون دید مقام خود را نمیتواند حفظ نماید لهذا روز ششم ماه مه از شهر خارج شد و در دوازدهم او را بشهر معاودت دادند - پس از مراجعت حکم کرد یکی از مجتهدين بزرگرا نئی بلد نمودند اهالی از اين حرکت بخشم آمده روز ۱۳ ماه مه بازار و دكاکين را بستند - وکلای انجمن ایالتی

در تلکرافخانه رفته به مجلس شورای طهران اطلاع دادند که اهالی از انتظار حاکم مشروطه خواه قانونی خسته شده اند و تا قانون اساسی طبع و توزیع نشود دکان را باز نخواهند نمود. چون از طهران جواب مساعدی داده نشد تهدید کردند که اگر تا ده روز دیگر قانون اساسی انتشار نیابد ناچار خود آنان قانون مخصوصی برای مملکت آذربایجان وضع خواهند کرد — روز یازدهم مستر و آیسلا تلکراف نمود که بروی احساسات در مردم استمرار داد و ترس آنت که هیجان و خشم اهالی شدت بیابد و آن وقت متوسل به بعضی اقدامات شوند که آذربایجان را قطعه جداگانه مستقلی سازند

کام می رود آنچه تلکراف از طرف اهالی بمجلس طهران مخابره شده است شاه مانع از ایصال آنها نگردد و او خود جواب آنها را داده باشد

روز دیگر اوضاع بیشتر انظار را بطرف خود معطوف داشت و مورد تنقید اتفاق افتاد — احرار اسلحه برداشتند و در کوچه ها نمایش داده فریاد می کردند که عاظم طهران خواهند شد — انجمن ایالتی که احوال را بدین منوال دید از مستر و آیسلا خواست نمود که در اصلاح این اوضاع همراهی نماید و سفیر اعلیحضرتی با اطلاع سفارت روس بعضی اقدامات غیر رسمی بعمل آورد و تا روز ۲۲ این ماه سکوت موقتی دست

داد — در این وقت انجمن ایالتی خبر یافت که قشون ککبری
 مرکب از چریک بطرف شهر کسبل داشته اند و تقریباً تا هشت
 فرسخی رسیده است انجمن لازم دانست که ابتدا معلوم نماید آیا
 این قشون بحکم شاه روانه شده است پس از آن بدفع آنجماعت
 بهر نحو که مقتضی باشد بکوشند — سفير اعلیحضرتی در اینخصوص
 از صدر اعظم استعلام نمود ولی صدر اعظم بکلی تکذیب کرد و
 باز سفير بی اصلی این خبر را فوراً بمسز و اتیسلا اطلاع داد
 و شد

دو او اخر ماه آوریل والی کیلان همراه اتابك اعظم وارد
 طهران گردید و روزیکه وارد شد پدرش ساعد الدوله که مرده
 کهن سال بود زندگانی را بدرود گفت — در ظرف مختصر زمانی
 که حکومت آن ولایترا داشت بقدری بر وی ناکوار گذشت که
 اکنون مایل نیست مراجعت کند زیرا در ایام سابق که حکومت
 کیلان با او بود پیشتر ثروت خود را از آنجا فراهم آورد ولی
 این دفعه انجمن ولایتی و سایر انجمنهای محلی دسئسرا از تعدی
 و تصرف در اموال مردم کوتاه کرده بودند — تقریباً تا مدت يك
 ماه اینولایت حاکم نداشت و با این حال در نهایت انتظام کارها
 از پیش برده می شد

روز چهارم ماه مه مهاجین ناکرافحانه رشتره بستند و
 ناچندی قونسول روس و انگلیس نتوانستند با سفارتخانههای خویش

مخاربه نمایند. روز دیگر قونسول روس مقیم رشت برای اشخاصی که بواسطه بسته شدن بازار از شغل و کار باز مانده بودند بجمع آوری اعانه پرداخته و خود او از مایه دولت متبوعه خویش بیست لیره (تقریباً صد تومان) امضا نمود که داده شود. چون طلاب از اعانه جمع کردن قونسول روس اطلاع یافتند بر خلاف این اقدام قنصلگری نطقها نمودند و مردمرا وعظه کرده می گفتند ایرانیان هیچگاه نبایستی از روسها قبول صدقه و اعانه نمایند.

از تبریز تلکرافات تشجیع آمیز باهالی رشت مخاربه شد و بسیاری از مردم داو طلبانه برای مجاهدت حاضر گردیده و در کوچه ها بگردش در آمدند.

هفتم ماه مه به شهندر انگلیس خبر دادند ~~که~~ عده از مردم در خیال وارد شدن به شهندری میباشند که هم آنها را غارت کنند و هم سکنه آرا بقتل برسانند بتدبیر اینکه دولت انگلیس را مجبور بداخله نموده از حامیان مشروطه حمایت نماید چون قسلههای انگلیس و فرانسه و روس بواسطه تعطیل شدن تلکرافخانه از مخاربه باسفارتخانههای خویش باز مانده بودند بکار آذاران ولایتی پرتست کردند و بدین واسطه تلکرافخانه مفتوح و مجدداً دایر گردید.

اسلحه و قورخانه که برای دولت در انزلی وارد کرده

بودند بحکم انجمن ولایتی ضبط و توقیف شد
 اوضاع شهر روز سیزدهم ماه
 دوباره در تحت نظم و ترتیب در آمد و دیگر کان اغنثاش و هرج
 و مرج نمی رود
 اکنون حکومت رشت با وزیر اگرمست
 کرمان

انجمن ایالتی در اوقات مقررہ انعقاد می یابد ولی همین
 که بی نظم می شود نمیداند چه باید ~~ک~~ کرد و بنا بر این کاری از
 آن ساخته نیست
 اهالی نه توجیهی با انجمن دارند و نه تاکنون فهمیده اند که
 مقصود از تاسیس آن چیست

جنوب ایران

شیراز

اهالی شیراز بواسطه عدم رضایت از قوام‌الملک که او را
 حامی حکومت اشرافی و مجری قواعد استبداد می دیدند مدتها
 مترصد يك هیجانی بودند تا عاقبت روز چهارم ماه جاری بلوا
 نمرده بازار و دکانین را بستند و در طهران نیز مردم حسابات
 خود را در همراهی با آنان اظهار داشتند
 از طرفی هواخواهان قوام‌الملک متوسل بعضی اقدامات

شدند تا شاید بدان واسطه تمام ایالت فارس را مغشوش و گرفتار
هرج و مرج نمایند

از اعمال ایشان نتیجه چنین بخشید که بزودی طرق و
شوارع ناامن گردیده اموال چندین کاروان را قطاع الطريق
دزدیدند از آن جمله مال التجاره انگلیس بود که معادل هشتصد
لیره ارزش داشت و همچنین مابین بوشهر و شیراز دزدها از
حامل پست انگلیس خود جینهای پستی را بسرقت بردند

قوام الملك بتدبیر اینکه خود را از ملامت و تعرض محفوظ
داشته باشد نلکرافی به مجلس طهران و پشاه نموده همه آن بی نظمی
و اغتشاش را بانگلیسها نسبت داد

در خصوص پست و مال التجاره مسروقه انگلیس که از
طرف سفارت بوزارت امور خارجه ایران اظهارات مؤسسه
گردیده بود جواب رسید که در آن باب احکام لازمه بکار گذاران
و مأمورین مخصوصه فرستاده شد هم در این اوقات شهرت یافت
که نظام السلطنه بحکومت شیراز مقرر و از اصفهان عازم آنجا
خواهد گردید

بندر عباس

اوایل ماه مه تقریباً دوپست نفر از اهالی بقونسولخانه
اعلیحضرتی پناهنده شدند سه مقصودشان از این تحصن نظم
از حاکم آن محل و نجات از تمذیبات او بود - بقونسول اعلیحضرتی

سفارش شد که در امور ایشان مداخله ننماید و منحصرین پس از سه یا چهار روز اقامت از قونسولخانه خارج گردیدند

نمره - ۲۷

مکتوب سیراسپرینک رایس بسر ادوارد کری (وصول

هشتم ژوئیه)

ار فلیک ۱۸ روان ۱۹۰۷

باکال افتخار آنخارا از حادثه که وقوع آن سبب نکارش

مراسله مفصلی به دولت ایران گردید مستحضر می دارد

تاجندی قبل دو کرمانشاه بواسطه منازعه مابین طرفداران

عامه و حامیان حکومت اشرافی هرج و مرج و بی نظمی نافی بود

این دو حزب از زمان تاسیس مشروطیت ایران همواره کوشش

می نمودند که هر یک دیگری را معلوب خود ساخته استیلا حاصل

نماید - حاکم آن ولایت برادر عین الدوله صدر اعظم سابق ارنجی

طلب با طرفداران اشراف که تا این اواخر غلبه و زبردستی

داشتند همراهی دارد و هیچ حای تردید نیست که درباریان نیز

آن جماعت را تقویت می نمایند - رؤسای این طایفه را که دولت

باکال بی میلی فقط محض اسکات مردم تبعید کرده بود بتازد کی

اجازه مراجعت داده است و از ایحیه اغتشاش بقدری زیاد شد

که طاقت منجر بزاع عمومی گردیده مختصر تلفات جانی و وی داد

ولی طرفین مواظبت می نمودند که در وقت شلیک بیکدیگر کاوله

تفنگ بسوی عمارات بانک شاهنشاهی منحرف نشود باینکه عمارات مزبور جنب خانه یکی از رؤسای عامیون که آنجا را سنگرگاه قرار داده بودند واقع گردیده بود

گویا رؤسای عامیون باسالارالدوله که بواسطه مخالفت با دولت طرف میل ایشان واقع شده است مراوده داشته باشند. بهر حال همینکه قشون دولت که بیشتر آن از طوایف چادر نشین همان حوالی بود بشهر وارد گردید اجماعی از مردم بطرف خانه یکی از رؤسای ارتجاعیون هجوم آوردند. این حرکت مستمسک مناسبی بدست داد. قشون دولتی بامرسر ~~ص~~ کرده خود یا اجازه حاکم بیازار حمله برده آنچه بود غارت کردند. چون طرفداران عامه حاکم را محرز غارت و خود را در مقابل او عاجز یافتند لهذا بقصد تحصن متوجه قونسولخانه انگلیس شدند. در این هنگام شخص حاکم پنهان گردید. طیب قونسولخانه متظلمین را از ورود بقونسولخانه جداً مانع بود ولی بدون اینکه اعتسائی به سخنان او بنمایند دو هزار نفر از باغستانی که دیوار نداشت داخل گردیده و در آنجا اقامت نمودند. حزب مخالف بمن تلگرافی کرده که تمام مبنی بود بر تهمت و تهدید متحصنین. و همچنین بد کوفی از رئیس آنها موسوم بملا مهدی که طرف اعتماد و وثوق عامه است. اما متحصنین باصرار تمام شکایت داشتند که چون تلگرافخانه دوتصرف دشمنان آنهاست نمیتوانند بطهران

مخبره نموده شرح حال و تظلمات خود را بدولت و مجلس
معرض دارند

مکتوبی بدولت ایران نوشته و در آن تصریح کردم **که**
چگونه قونسولخانه بواسطه دخول اجباری يك فرقه که مقاصد
سیاسی در نظر دارد گرفتار اوضاع محمل ناپذیر شده است
بعلاوه اطلاع دادم که دولت متبوعه خود را بایستی از تمام این
وقایع مستحضر ساخته و نیز در خصوص تحمیل که اکنون ایرانیان
بدان عقیده دارند و در قانون بین الملل هیچ حکمی در آن باب
نگردیده کسب تکلیف و در خواست دستور العمل نایم — در
جواب این اظهارات یکی از اجزای وزارت خارجه که مدیر
کارهای سفارت انگلیس است بر حسب حکم شاه نزد من آمده
خواهش نمود که رؤسای حرب عامیون بخصوص آقا محمد مهدی را
قونسولخانه تسلیم دولت نماید باو گفتم من بیش از شما مایلیم به
اخراج متحصنین از قونسولخانه ولی باید دانسته باشید که اخلاق
ایرانیها اجازه نمی دهد تسلیم نمودن اشخاص را **که** پناهنده
بجائی شده باشند و حتی اگر قونسولرا امر بتسلیم نمودن رؤسا
بنمایم یقینا دو هزار نفر جمعیترا نمیتواند راضی نماید که مجبورا
از قونسولخانه خارج شوند — اگر دولت ایران بتواند آنها را
بترك قونسولخانه ترغیب نماید من آنچه در تسهیل ترتیبات آن
بتوانم فراهم آورم البته دریغ نخواهم داشت و شخص مامور

خارجہ بخوبی میدانست کہ جز این ترتیب هیچ کاری از قوه من
بفعل نخواهد آمد

روز دیگر مدیر مذکور مجدداً مرا ملاقات کرده و در
خواهشهای روز قبل پیش اصرار داشت - در حضور مشارالیه
یادداشتی بوزیر امور خارجہ نوشتم و چنانچه توانستم با زبانی
ساده و سخت حقیقت اوضاع را نصریح و تاکیدی نمودم که
دولت مسئول امنیت منازل قونسولهای مقیم این مملکت است و
باید انگونه اقداماتی را در خارج شدن مردم از قونسولخانه
احتیاط نماید که اطمینان فوری حاصل آید

در این موقع اگر خواهش شاه پذیرفته میشد هر آینه در
قونسولخانه کشتار و خونریزی واقع می گردید و در آن صورت
شرافت و نیکنامی سفارمخانه لکه دار و ننگین می شد و نمیتوان
تصدیق نمود که اعلیحضرت شاه از چگونگی اوضاع اطلاع
داشته است

در همین اوقات مکتوبی بعنوان منشی قونسول خانه رسید
و کاپیتن هاورس آنرا باز نموده معلوم شد سالارالدوله نام منشی
مزبور رای ملا مهدی نوشته اورا بکمک خویش طلبیده است
تا دسبازی بکند بکر مردم را از چنگال ستمکاران رهائی دهند و
تهدیدش کرده بود که اگر امتناع بورزد خان و بیدین خواهد
بود - کاپیتن هاورس آن مکتوب را بدون تأمل نزد حاکم فرستاد

و البته هیچ تقصیری بر ملامهدی وارد نمی آمد چه از اینگونه مکتوبات همه جا ارسال شده بود — در این وقت مجلس قدم به داخله نهاد و از مذاکرات مخفیانه رئیس مجلس با اتابک نتیجه چنین حاصل کردید که بمنحصنین تلکراف نموده ایشانرا اطمینان خاطر بدهند باینکه در همدان کسیورنی منعقد بشود تا در این قضیه بدون طرفداری از احدی تحقیقات بعمل آورده رفتار رؤسای طرفین را وسیدی نماید — ضمناً حاکم رفتار خود را با طرفداران عامه به لاطفت و حوش سلوکی مدلل داشت

سواد تلکرافان که بحاکم مخیره شده بود باهضای رئیس مجلس و اتابک نزد من فرستادند که به منحصنین مخیره نیام — چون عمل تحقیق را نیکو نریی دیدم لهذا بکاپیتن هاورس نوصیه کردم که منحصنین را باین قرار داد راضی نماید و او نیز کجا می کرد که مقبول خواهد افتاد — ولی جنبدی نکذشت که جمعیتی از مردم بطرف پناهندگان فونسل خانه از خارج شلیک تفک نمودند در این خصوص حکومت نه ترضیه خواست و نه توضیح می داد من هم بدون تامل بیغامات شفاهی سخت بوزیر امور خارجه داده و از مستر جرجیل تمنا کردم ~~که~~ نزد آن جناب و اتابک رفته ایشانرا از اهمیت این واقعه آگاه سازد .

مستر جرجیل آن دو وزیر را ملاقات کرد و ابتدا وزیر امور خارجه سعی می نمود که تقصیر را بر سفارت خانه وارد

آورد چونکه از تسلیم رؤسای منحصنین امتناع شده بود — ولی فوراً متقاعد شدند که اقدام باین کار غیر ممکن بود پس از آنکه اتانک تحقیق ~~کرد~~ و دانست صدمه وارد آمده است آن وقت تلکراف بانشدی بحاکم نموده در این موضوع از وی توضیح خواست و شخص او را مسئول امنیت قونسول خانه قرار داد — در همان روز وزیر امور خارجه پیغام تلکرافی بمن فرستاد که رضایت خاطر و امید وادی بخشید سواد آترا لفاً ارسال می دارم

مخالفین طرفداران ملت تلکرافاتی چند بطهران مخبره کردند از آن جمله یکی بعنوان سفارت روس بود ~~که~~ مسیو دوهارتویک دوستانه بمن ارائه داد مبنی بر اینکه ملا مهدی و همراهانش قونسول خانه را مقام و تکیه گاه خود قرار داده همه قسم مخالفت و شراوت می نمایند و توقف او در آنجا البته سبب مخاطرات و باعث انقلاب شهر خواهد بود و باید سفارت انگلیسرا ملزم نمود که ویرا تسلیم نماید — از طرف دیگر متحصنین اظهار میداشتند که اموال ایشانرا با امر حاکم غارت کرده اند و حالیه نیز جانشان در معرض خطر است و از قنصلخانه خارج نخواهند شد مگر اینکه امنیت جانی و مالی به ایشان داده شود .

من نمی توانم بگویم که گناه و تقصیر مخصوصاً با کدام يك از این دو فرقه بوده زیرا هر دو طرف آنچه در قوه داشتند

در تعدی و ایذاء بیکدیگر فرو گذار نکردند معیناً از واضحات است که ما را حق و انصاف نیست متحصنین را بدون ثبوت تقصیر تسلیم داریم و بفرض آنکه حق داشته باشیم قوه نداریم که بدان واسطه ایشانرا مجبور بخارج شدن نمائیم بنا براین کاپیتان هاورس را توصیه کردم که خود را دچار مخاطره نماید و در موقعیکه تغییر محل لازم شود اسکر مقتضی بداد در بانک شاهنشاهی منزل اختیار کند و از بی طرفی خود حاکمرا جداً مستحضر داشته بوی بگوید که متنها میل او استخلاص از دست متحصنین است ولی تا تقصیرشان ثبوت نرسد تسلیم ایشان امکان ناپذیر است و نابتواند در تسهیل اصلاح خواهد کوشید

دوات ایران من غیر رسم اطلاع داد که حاکم همدان حکم شد بطرف کرمانشاه رهسپار گردد — این شخص دارای صفات عالیه و در آن نواحی بسی محترم و طرف توجه است — اعتماد دارم که چون بدانجا وارد شود غائله بزودی مرتفع گردد — پناهندگان قونسول خانه از عزیزت او بسیار خورسند و امیدوار **مگردیدند** .

در خصوص حرکت حاکم کرمانشاه احتمالی که می توان داد اینست که باین اوضاع حاضره ممکن است فقط بری نظمی افزوده شود ولی کاپیتان هاورس اظهار میدارد که حاکم تاکنون در ازای حمله بقونسول خانه بهیچوجه معذرت نخواسته و در این

صورت عزل او را باید خواستار گردید - دولت ایران همان جوابهای ناطفره همیشگی را می دهد و وزیر مختار روس بمن اطلاع داده که سفارت قبل از رفتن مشار الیه بدوات فستار خواهد آورد تا مطالب معوقه ایشان انجام یابد لیکن من منتظر دستورات آتیه هستم که از آن ببعد با اقدامات قطعی پردازم - شاید آنکه که دشمن حاکم و خانواده او است اهتمام کلی در غرک وی بنماید - بهر حال ظهیرالدوله حاکم همدان که ورودش را بکرمانشاه تا ۲۱ همین ماه انتظار دارند چون وارد شود عملاً حاکم معزول خواهد بود .

(امضا) سسیل اسپرینک رایس

در بلو گره (۲۷)

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به سراسپرینک رایس

مورخه ۱۶ ژوان ۱۹۰۷

تلگراف شما که حاکی از سلوک غیر مترقبه برخی ازاراؤل کرمانشاه بود الساعه واصل گردید - حضرت اشرف انابک اعظم را از وقوع این حادثه مطلع ساخته من و جناب ایشان از طرف دولت شاهنشاهی متفقاً از این سوء اتفاق اظهار افسوس می نمایم - و جنابعالی را ناگال عجله اطلاع میدهم که احکام تلگرافی در نهایت تاکید بحاکم کرمانشاه فرستاده خواهد شد تا اشخاصی که جسارت ورزیده بطرف قونسول خانه انگلیس تبر

افکنده اند دستگیر و تنیه نماید

نمره - ۲۸

مکتوب سیراسپرینک رایس به سر ادوارد کری (وصول

۸ ژوئیه)

از قلمك ۱۸ ژوان ۱۹۰۷

باکال افنخار خلاصه اخبار یکماهه طهران و سایر حوادث ولایات ایران را که بنوسط مستر جرجیله اکتساب شده ارسال آن جناب می دارم .

عمل تفاق و فساد تقریباً بیک طرز غیر قابل صلحی تا کنون مستمر و جاری است - در سمت مغرب بنای سرکشی و شورشرا نهادند - طوایب جادر نشین مشغول تاخت و تاز و غارت شدند - اهالی آذربایجان همیشه نداید فاسد سلطنترا دوباره اعضای انجمن کشف کردند بهیجان شدید در آمده تحریکی سخت یافتند - در ~~سکراما~~ شاه مابین طرفداران ملت و هوا خواهان حکومت اشرافی نزاع در پیوست و چون قشون سلطنتی بدان شهر وارد شد حامیان اشرافی برحزب عامیون فایق آمدند .

اوصاع و ترتیب مالیه مملکت از همه وقت بدتر است - دریاخت پلیدها بواسطه دریافت نداشتن مواجیب به تکالیف مرجوعه خود عمل نموده همگی در خیال ترک خدمت و شروع فساد می باشند - هر قدر باکال زحمت سعی می نمودند ~~که~~ يك مبلغ پولی

فراهم آورده بقشون طهران بپردازند تا شاید بدان واسطه ترغیب یافته بتقاطی که شورش روی داده عازم ماموریت شوند معلوم شد غیر ممکن الحصول است .

مجلس شورای طهران نفوذی در ولایات ندارد — در ظرف چندین هفته بیهوده به تهدید و تخویف قوام الملك شیرازی و ملای دزد غارتگر سلطان آبادی پرداخت و هیچ اثری نخبشید — حمایت مخفیانه دولت از در شخص مذکور بکلی اقدامات و مساعی مجلس را لغو و بی نتیجه کرداید معینا شاه و هیئت دولت در چندین مواقع بواسطه فشار مجبور به تسلیم شده ناچار احترام مجلس را رعایت داشتند .

قانونی برای مالیه وضع و از مجلس گذرانیده شد و از ایزرو امید است که رفته رفته اصلاح مالیات ولایات بشود — این قانون اعم از اینکه خاطر عموم مردم را مشعوف یا ماکدر سازد ناگزیر بایستی وضع شود و در آشکار نه شاه حرمت مخالفترا دارد و نه دولت می تواند مانع از اجرای آن گردد .

منهم قانون اساسی که بدون رعایت مذهب بتام اهالی ایران تساوی حقوق بختبده دست آویز و مستمسک خوبی برای حمله آوردن بمجلس کردید — ملاها بتام قانون شرع بنای تعرض و مداخله را نهادند — نتیجه این ضدیت فراهم آمدن تفاق بود مابین رؤسای طرفداران ملت و معاریف ملاها .

دوات مایل بود که استقراضی از خارجه نموده قروض
امساله خود را باریاب حقوق ادا نماید ولی نظر بافکار عموم می
ترسید باین کار اقدام کنند لابد رجوع بمجلس شورا و از آن
استمداد نمود که از طریق اعانه خواستن برای بانک ملی قرضه
ادا نماید — مجلس جواب داد که مردم در دادن اعانه آماده و
حاضرند در صورتیکه اعیان و اشراف مقبول که بداشتن پولهای
ککراف معروف می باشند ابتدا نموده راهرا نمایش دهند ولی
افسوس که صاحبان ثروت از اقدام به این کار امتناع میورزند
ظاهراً بر مجلس حتم و محقق شده است که اگر بواسطه
وضع مالیاتهای جدید پولی فراهم آمده و بیچنگ دولت در آید
تماماً بمصرف خرابی مجلس خواهد رسانید پس لازم دانستند که
در مخارج دولت نیز بدقت تفتیش شود .

کینه ورزی پادشاه و خشم بر او همه روزها ازدیاد می یابد
چه عموم را عقیده آنست که مصمم شده همینکه توانائی حاصل کند
بلاد ترک مشروطه را از ایران بر اندازد هر چند باضمحلل و
محو استقلال مملکت باشد .

اتابک از خارجه جوئی باز مانده کمال افسردگی و دهنهای
دلنگی را یافته ککویند چون از مخالفت بمجلس واستقراض از
خارجه امتناع ورزید شاه از وی مایوس و ناامید گردید . اما
قدرت صدراعظم بداشتن پول است بانبودن پول کاری از پیش

وی نخواهد رفت و محلی که بتوان آرا تحصیل نمود بسی دشوار دیده می شود - بالجملة هیچ نتوان گفت که مرد مرا در عدم پیشرفت امور چون او ملالت خاطر حاصل باشد .

کلیتاً بی نظمی مملکت بیشتر از سنو اتیکه امور در تحت قواعد معینه جاری بود روی نداده و در تمام اغذاشات مختلفه که در ولایات اتفاق افتاد اتلاف نفوس چندان بوقوع نه پیوست - مردم در اخراج حکام جابر و استخلاص از اححاف و ظلم حکومتی اهتمام نموده و در اکثر مواقع بتقاصد خویش نائل گردیدند | بنا بر این از اوضاع کهنونی شاکی و دلننگ نمی باشند - اما دولت مدعی است که در خزانه بهیچوجه دیناری یافت نمی شود و در ولایات هیچگونه تقبضی بعمل نیاید و سراسر مملکترا هرج و مرج فرا گرفته است .

مابین قطعه شمالی و جنوب تباین و اختلاف کلی موجود است چنانچه در جنوب جنبش اهالی مبنی است بر تقلید و بک نوع دغل بازی مضحکی شمرده می شود زیرا هر هیجانی که می نمایند راجع بمسائل شخصی و یا ملاحظه منافع خویشان می باشد - بر عکس در قسمت شمالی اهالی مقاصد پلتبیکی و سیاسی معینی در نظر دارند و بنای تمام حرکاتشان بر وطن خواهی است

علامت خصومت و ضدیت باتباع خارجه بهیچوجه مشاهده نمی شود و همچنین آثاری از مداخله احاب مشهود نیست و